

زوج جمشیدی و عطاران وجود دارد. ضمن اینکه شما در سریال «زیر خاکی» در کنار خانم زاله صامتی؛ زوج کمدی خوبی را شکل دادید و به نظر می‌رسد یکی از ظرفیت‌های پژمان جمشیدی قابلیت زوج شگدی در بازیگری و سینماست. نظر خودتان چیست؟

من که عاشق آقای عطاران هستم. به نظرم شکل‌گیری یک زوج هنری در کمدی خیلی مهم است. مثل «هزارپا» زوج آقای عطاران و جواد عزتی، مثل «بارکد» زوج محسن کیایی و بهرام رادان، مثل «سن پترزبورگ» زوج پیمان قاسمخانی و محسن تنابنده، امیدوارم حضور من در کنار آقای عطاران در «شیشلیک» به جذابیت این زوج منجر شده باشد. من که آرزو داشتم در کنار آقای عطاران بازی کنم. به آقای مهدویان هم گفتم چه بهتر که این آرزو در فیلمی به کارگردانی شما اتفاق بیفتد که توانایی کارنامه مشخصی دارید. با خانم صامتی قبلاً هم بازی کرده بودم. در چند تئاتر از جمله تئاتری که خودشان کارگردانی کرده بودند من نقش اصلی‌ای آن را بازی کردم. همچنین در «زیر خاکی» و «تگراس دو» با هم بازی کردیم و الان هم داریم «زیر خاکی دو» را با هم کار می‌کنیم به نظرم ایشان فوق‌العاده و از نوانی بازیگری کشور ماست. من هم از حرفه‌ای بودن و توانایی بازیگریشان و هم از اخلاق خوبشان خیلی چیزها یاد گرفتم و می‌گیرم. امیدوارم در آینده باز هم این همکاری تکرار بشود.

■ در جشنواره امسال در «شیشلیک» که به نظر بیشتر تلخ بود تا طنز لحظاتی بود که با پژمان جمشیدی بغض کردم. به نظرتان پژمان جمشیدی به همان اندازه که می‌تواند بخنداند می‌تواند بگریزند؟

مواقعف. به نظر منم «شیشلیک» فیلم تلخی است. فیلم عجیبی که اگر اکران بشود حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. خود من هم با سکانس عروسی خیلی متأثر شدم و به نظر من یکی از عجیب‌ترین سکانس‌های تاریخ سینمای ماست. خیلی سکانس تلخی است خیلی تلخ و من خیلی این سکانس را دوست دارم. من این سکانس و آن سکانسی که خانم ثانی جلوی در خانه من می‌آید و من که تازه از بیرون آمده‌ام بچهارم را بلند می‌کنم و می‌گویم بی‌سواد آینده و بیکار حال حاضر را هم خیلی دوست دارم.

■ به عنوان سؤال پایانی خواستم بگویم پژمان جمشیدی بدون اغراق یا هرگونه نگاه صرف ستایش آمیز توانسته خود را در سینمای ایران اثبات کند و من معتقدم از بسیاری از بازیگران شناخته‌شده و سلبریتی هم جلوتر است. چقدر مراقب هستید که از این مسیر دور و منحرف نشوید و برای حرفه‌ای ماندن چه می‌کنید؟

این نگاه لطف شماست اما اینکه چگونه مراقبت کنم نمی‌دانم دقیقاً ولی می‌دانم که خیلی سخت است. نه در ارتباط با خودم که دربار هرکس هرچه هنرمندی موفق‌تر شود پیشنهادات اغواکننده و هیجان انگیز هم به او بیشتر می‌شود چه مالی و چه کاری و شغلی و در این شرایط حفظ کردن موقعیت هنری خیلی سخت می‌شود؛ بویژه با توجه به شرایط سخت اقتصادی که در جامعه ما وجود دارد سخت‌تر هم می‌شود. با این حال سعی می‌کنم در انتخاب‌هایم دقیق و سختگیر باشم و دست‌کم انتخاب‌هایی باشد که مردم دوست داشته باشند و خیلی صادقانه بگویم برای من مهم‌ترین معیار این است که مخاطب کارم را دوست داشته باشد و برای این هدف و دغدغه همه تلاشم را خواهم کرد.



نمایی از فیلم «خوب بد جلف»



نمایی از فیلم «خط فرضی»



نمایی از فیلم «شیشلیک»

پژمان جمشیدی در گفت‌وگو با «ایران» از سال متفاوت ۹۹ گفته است

رضایت مخاطب مهم‌ترین دغدغه‌ام است

سید رضا صامتی
منتقد سینما

اینکه حالا مرا در نقش‌های جدی بپذیرند با توجه به اینکه من چهره نسبتاً خشنی هم دارم. بهر حال در چرخش کمدی به جدی چالش‌هایی وجود دارد. از این حیث که مردم من را به عنوان بازیگر کمدی می‌شناسند و حالا اگر بخواهند در نقش‌های جدی من را ببینند هم خیلی راحت نیست و نیاز به زمان برای مخاطب و تمرکز برای من دارد تا بتوانم ذهنیت قبلی مخاطب را بشکنم و با چهره تازه‌ای از خود مواجه کنم که باورپذیر باشد.

■ آقای جمشیدی شما در مورد به عرصه بازیگری علاوه بر اینکه ابتدا در نقش خود ظاهر شدید، در کنار سام درخشانی یک زوج کمدی را هم تشکیل دادید. فکری کنید اگر این اتفاق نمی‌افتاد و زوج شما و آقای درخشانی شکل نمی‌گرفت آیا در مسیر بازیگری‌تان هم تأثیر می‌گذاشت و ممکن بود در مسیر دیگری قرار می‌گرفتید؟

بله من بارها گفتم که سریال «پژمان» ریسک بزرگی بود. شاید بزرگترین ریسک زندگی من بود؛ چون من سابقه‌ای در فوتبال

می‌شود پژمان جمشیدی را در نقش‌های طنزانه باور کنند. اساساً خودتان به نقش آفرینی در کدام ژانر بیشتر علاقه دارید.

به درست یا غلط خیلی بین نقش‌ها تفاوت قائل نیستم اما حس می‌کنم اگر در درجه اول فیلمنامه خوبی باشد در درجه دوم کارگردان خوب و در درجه سوم کسینگی خوبی باشد به من انگیزه و حس بهتری برای حضور در آن کار می‌دهد. از همه اینها مهمتر این است که اصلاً بتوانم آن نقش را اجرا کنم یا نه؛ یعنی توانایی اجرای آن نقش را خودم ببینم یا نه. اینکه می‌توانم آن نقش را چنان که در فیلمنامه هست یا کارگردان انتظار دارد پیاده کنم یا نه. دغدغه‌های اصلی و همیشگی من برای قبول یک نقش و حضور در یک فیلم و سریال همین مؤلفه‌هاست. دلیل اینکه در فیلم‌های با ژانر جدی‌تر نقش‌های کوتاه‌تر هم بازی کردم به همین دلیل است؛ چون دوست داشتم اگر توانایی خاصی در ایفای آن نقش دارم دیده شود و خودم آن را تجربه کنم. برای نقش‌های

موقعیت یا رضایت هواداران و مخاطبان به نوعی در هر دو حوزه وجود دارد. آیا تجربه‌های فوتبالی و بازیگری بودن به دردی بازیگری شما هم خورد یا نه؟

به نظرم نسبت بین بازیگر و بازیکن بودن در عرصه تئاتر بیشتر خودش را نشان می‌دهد تا سینما. فوتبال از این لحاظ می‌تواند شبیه تئاتر باشد که تو حس را مستقیم از تماشاگر می‌گیری و این لذت را در لحظه تجربه می‌کنی؛ حسنی که خیلی خوشایند است. شاید تجربه فوتبال در مسائلی از این دست به من کمک کرده باشد. مثلاً اینکه استرس کمتری از بازی جلوی تماشاگران تئاتر داشتم و فشار نگاه تماشاگران را روی خودم حس نمی‌کردم. با اینکه به حضور من در عرصه تئاتر دقایق بیشتر و تندرستی نسبت به سینما وجود داشت، ولی باز هم باعث نمی‌شود فشار حضور تماشاگر را حس کنم. اتفاقاً انگیزه و ذوق بیشتری برای اجرا می‌داد. هر



من در این جامعه زندگی می‌کنم و با انواع و اقسام دیدگاه‌ها مواجه می‌شوم هیچ چیزی مرا متعجب و شوکه نمی‌کند. ما آدم‌هایی هستیم با افکار و عقاید مختلف، تربیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف و برای همین اگر بتوانیم به نظرات هم احترام بگذاریم حتی اگر برای ما خوشایند نباشد هم جامعه بهتری خواهیم داشت و هم زندگی راحت‌تری

داشتیم و با آن سابقه می‌توانستم در سطوح مختلف کار مربیگری کنم اما اگر سریال «پژمان» پخش می‌شد و مورد اقبال مردم قرار نمی‌گرفت و زوج من و سام درخشانی جواب نمی‌داد شاید برگشتن به دنیای فوتبال هم برای من سخت‌تر می‌شد. حالا اینکه چه اتفاقی می‌افتاد نمی‌دانم ولی قطعاً سرشودن من عوض می‌شد و در مسیر متفاوتی از حالا قرار می‌گرفت.

■ حالا که بحث از زوج هنری و زوج کمدی مطرح شد باز جاع به فیلم «شیشلیک» به نظر می‌رسد ظرفیت خوبی برای شکل‌گیری

کمدی که پیشنهاد داشتم همیشه ولی برای نقش‌های جدی پیشنهادات آنقدر نبود. قبول کردن نقش‌های کوتاه مثل فیلم «هزارتو» و حتی همین «خط فرضی» به من کمک کرد و می‌کند که کارگردان‌ها از این زاویه هم بازی سرا ببینند و اگر قابل بداندن برای کارهایی که می‌خواهند بسازند پیشنهاد دهند. در مورد اینکه مردم مرا در نقش‌های جدی می‌پذیرند یا خیر؛ پاسخ قطعی دادن دشوار است. همین که مردم مرا به عنوان یک دفاع و فوتبالیست خشن می‌شناختند به عنوان یک بازیگر کمدی بپذیرند شاید خیلی سخت‌تر بود تا

چه سالن پرتر بود برای من خوشایندتر بود. ■ به نظر می‌رسد شما هم برای تجربه‌گرایی در سینما و بازیگری و هم برای اثبات خود به متقدانی که با بدبینی به کارنامه شما نگاه می‌کنند تلاش می‌کنید تا از نقش‌های کمیک فاصله بگیرید و حتی امسال به غیر از «خط فرضی» در فیلم «شیشلیک» هم به اعتقاد من نقش شما جدی بوده کمدی. اینکه مردم شما را در نقش جدی بپذیرند آیا به این برمی‌گردد که اولین بار و در ادامه شما را در نقش‌های کمدی دیدن و بازیگری‌های فردی شما مثلاً نوع فیزیک صورت و شمایل ظاهری‌تان باعث

ما قسمت سوم آن را برای نمایش خانگی تولید کنیم و داستان را تمام کنیم که مدیون مخاطبانی که «فیلم خوب بد جلف دو» را در سینما دیدند نباشیم.

■ نام پژمان جمشیدی فارغ از بازیکن – بازیگر بودن، اکنون مناقشات ژورنالیستی درباره ورود بازیکنان به عرصه بازیگری است که طی این سال‌ها همواره یکی از چالش‌های شمار سینما بوده. گرچه به نظر من شما با بازی در فیلم «سو-تفاهم» به این سو-تفاهم‌ها پایان دادید و ثابت کردید که از بی‌حشمت و جاه‌به اینچیان‌امدید و بازیگری برای شما جدی است. باین حال انگار هنوز برخی این جدیت را جدی نگرفته‌اند یا نمی‌خواهند توانایی شمار بازیگری را باور کنند. فکری کنید چه باید کرد تا این عده قانع شوند و شمار به جای بازیگر کنونی سینما بازیکن سابق فوتبال به باد بیاورند؟

بله این حاشیه ورود من به سینما همیشه وجود داشته است و استش خیلی دوست ندارم به آن بپردازم و به نظرم اگر بخواهم به آن بپردازم مسأله لوٹ می‌شود. شاید تنها چیزی که در واکنش به این حاشیه‌ها در من ایجاد می‌شود انگیزه بیشتر است. وقتی برای فیلم «سو-تفاهم» نامزد شدم و آن اتفاقات افتاد نه ناراحت شدم و نه برای من دور از ذهن بود. خوب من در این جامعه زندگی می‌کنم و با انواع و اقسام دیدگاه‌ها مواجه می‌شوم هیچ چیزی مرا متعجب و شوکه نمی‌کند. ما آدم‌هایی هستیم با افکار و عقاید مختلف، تربیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف و برای همین اگر بتوانیم به نظرات هم احترام بگذاریم حتی اگر برای ما خوشایند نباشد هم جامعه بهتری خواهیم داشت و هم زندگی راحت‌تری. به همین دلیل نه متعجب می‌شوم نه ناراحت و عصبانی. به همین خاطر هم در مقام پاسخگو بر نمی‌آیم چون لزومی نمی‌بینم چون دارم کارم را می‌کنم و هدف من انجام آن کار است و زمانی که در ریل این کار هستم ضرورتی ندارد که به هر حرف و نظری واکنش نشان دهم؛ بخصوص کار هنری که دیده می‌شود و مردم و منتقدان خودشان قضاوت می‌کنند. ضمن اینکه هر چقدر هم توضیح بدهی به اندازه خود کار و بازی کردن نمی‌توانی از خودت دفاع کنی.

■ گرچه دو عرصه فوتبال و سینما از هم متفاوت است اما به نظر می‌توان بین بازیکن بودن و بازیگری شدن یل زد. مثلاً تجربه کار تیمی و جمعی با نقش مهارت‌های فردی در خلق

گاهی بهترین اتفاقات زندگی در بدترین زمان ممکن یا در بدترین سال زندگی می‌افتد. سال ۹۹ برای پژمان جمشیدی چنین وضعیتی داشت. او در حالی نامزد دریافت سیمرغ برای بهترین نقش مکمل شد که بهترین دوستانش در فوتبال مهرداد میناوند و علی انصاریان را به دلیل ابتلا به کرونا از دست داد. فارغ از این، جمشیدی سال ۹۹ را با سریال زیر خاکی آغاز کرد که بازی‌اش در کنار زاله صامتی مورد توجه قرار گرفت. از سوسی دیگر او امسال هم فیلم و هم سریال خوب، بد، جلف را در اکران عمومی و نمایش خانگی به عنوان بازیگر این آثار داشت و امسال با دو حضور متفاوت یکی در شیشلیک و دیگری در خط فرضی، حضور پررنگی در جشنواره داشت. قطعاً یکی از ستاره‌های سینمای ایران در سال ۹۹ پژمان جمشیدی بود. به این بهانه با او گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ سال ۹۹ سال عجیبی برای شما بود. سال اشک‌ها و لبخندها. سالی که بازیگر خاکی گام بلندی در نقش آفرینی تلویزیونی برداشتید. دو نقش متفاوت در فیلم‌های «شیشلیک» و «خط فرضی» داشتید که انگار تلافی بود تا فرضیه‌های کلیشه‌ای درباره خود و بازی در نقش‌های کمدی را بشکنید و خودتان را ثابت کنید. در جشنواره فجر نامزد سیمرغ شدید و همچنین حضور در نمایش خانگی با سریال «خوب، بد، جلف»، البته از سوسی دیگر مهرداد قدیمی خود را از دست دادید و درست در همان زمان حاشیه‌های تلخ جشنواره را تجربه کردید. حس و حال خودتان درباره سال ۹۹ چیست؟

واقعاً سال ۹۹ سال عجیبی بود. شاید عجیب‌ترین سال زندگی همه ما؛ حتی باید گفت عجیب‌ترین سال برای همه کسانی که در این مقطع تاریخی در کل دنیا زندگی می‌کنند. اتفاقاتی افتاد که شاید اگر دو ماه قبلش به ما می‌گفتند ما باور نمی‌کردیم. به ویروس کرونا و تخریب هایش، دوری آدم‌ها از هم و آسیب‌هایش کم‌شدن روابط انسانی و ترسیدن آدم‌ها از هم و دوری از معاشرت با هم که چیز غریبی بود و چهره دنیا را عوض کرد و مزایا و معایب زیادی داشت. به نظر من بیشتر تأثیرات منفی کرونا بر روح و روان آدم‌ها بود که خودش یک بحث بسیار مفصلی است. در مورد خودم بهترین اتفاق زندگی در سال ۹۹ نامزد شدن در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر بود. با وجود کرونا؛ سال کم‌کاری برای من نبود بجز چند ماه اول که به خاطر کرونا نمی‌توانستم کار کنم ولی قراردادهایی که از سال قبلش بسته بودم خیلی فشرده باید اجرایی می‌شد و من هم باید به آنها پایبند می‌بودم. از جمله بازی در فیلم «شیشلیک» که تجربه حضور در آن برای من خیلی جذاب بود. محمدحسین مهدویان کارگردانی بسیار کاربلد و گروه

مورد عجیب پژمان جمشیدی

پژمان جمشیدی از معدود ورزشکارانی است که به سینما آمد و ماندگار شد

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار
■ ستاره‌های شکست خورده

چهره‌های مشهور و محبوب حوزه موسیقی، ورزش و حتی سیاست نه تنها در ایران که در همه جهان، بحث این را دارند تا مقابل دوربین بروند. این ماجرا در ایران، روندی متفاوت داشته است؛ طمع به جذب مخاطب با استفاده از شهرت و محبوبیت چهره‌های ورزشی و ستاره‌های موسیقی معمولاً نتیجه‌ای جز شکست فیلم‌ها نداشته است؛ در این زمینه، سال‌های پیش و پس از انقلاب، استثناهایی شاهد بوده‌ایم، اما قاعده از شکست صحبت می‌کند. محمدعلی فردین ستاره سینمای پیش از انقلاب، از معدود ورزشکارانی بود که بیش از یک دهه، محبوب و مشهور باقی ماند و نامش عاملی برای فروش فیلم‌ها بود. در دوران اصلاحات که فضای سینما

تغییر کرد احمد رضا عابدزاده، علی پروین و جواد زرتینجه مقابل دوربین رفتند؛ نتیجه قابل پیش‌بینی بود، هیچ یک از آن فیلم‌ها، فیلم خوبی نبود؛ فیلم‌ها نتوانستند تماشاگران آن‌ه را ترغیب کنند، همان‌طور که حضور هادی ساعی در فیلم سینمایی «بی ۱۲» (حسین قاسمی‌جانی) موفقیتی برای این ستاره پرافتخار نداشت. تجربه حضور یوسف کرمی قهرمان المپیک در فیلم «قهرمانان کوچک» (حسین قناع‌ت) به دلیل نزدیک بودن نقش به او موفق بود، اما تأثیری روی فروش فیلم که برای مخاطب کودک و نوجوان ساخته شده، نداشت. یک دهه پیش، مازیار فلاحی خواننده شناخته شده‌یپ در سریال «قلب یخی» (محمدحسین لطیفی) بازی کرد. او در آن سریال چند قطعه اجرا کرد و حضورش آزارنده نبود. فرزند فرزند دیگر خواننده پاپ در سال‌های اخیر، نسبت به

گذشته در بازیگری فعال‌تر شده و حاصل کارش در نقشی پیچیده و منفی در «ملکه گدایان» (حسین سهیلی‌زاده) قابل قبول است. کارنامه بازیگری شادمهر عقیلی ستاره موسیقی در سال‌های اصلاحات، با دو شکست بزرگ گره خورد. «بر پرواز» (خسرو معصومی) و «شب برهنه» (سعید سهیلی) با وجود تصور سازندگان برای رکورد شکنی، بیش از هر چیز دیگری، ناکامی لقب گرفتند. علی انصاریان که ستاره فوتبال بود، با سریال طنز «زیر آسمان شهر» (رضا عطاران) بازیگری را آغاز کرد. این ستاره محبوب در اجرا، موفق‌تر از بازیگری بود.

■ تئاتری‌های موفق

برخلاف چهره‌هایی که از ورزش و موسیقی به دنیای بازیگری آمدند، اغلب ستاره‌های تئاتر وقتی مقابل دوربین سینما رفتند موفق بودند. سینمای متفاوت ایران در دهه چهل، وقتی خواست مقابل ابتلال



مخالفت‌ها، غرض‌ورزی‌ها و اظهار نظرهای غیرمنصفانه به راهش ادامه داد، بازیگری که با «پژمان» (سروش صحت) به شهرت رسیده بود، همان سال‌ها در «بادی که تو را خشن کرد مرا برد» (علی نرگس‌نژاد) روی صحنه رفت. شاید جمشیدی را بیشتر با آثار طنز پر مخاطبش در سینما و تلویزیون به یاد بیاورند. سریال‌های «زیر خاکی» (جلیل سامان) یا «دیار به دیوار» (سامان مقدم) و فیلم‌های «خوب، بد، جلف» و «تگراس»، در میان ورزشکارانی که به سینما آمدند با تجربه کرده و آنقدر اعتماد به نفس داشته که بارها روی صحنه تئاتر بروند، کاری که بعضی از بزرگ‌ترین ستاره‌های سینما جرات آن را ندارند؛ در کنار شیرینی و ملاحضاتی

پدیده‌های تئاتر به سینما و تلویزیون معمولاً به درخشش آنها ختم می‌شود. هونن شکیبا و بهرام افشاری از چهره‌های جوان تئاتر هستند که سال‌های اخیر به شهرت رسیدند و مهم‌تر از آن، کارنامه‌ای قابل توجه دارند؛ برای بعضی بازیگرها مانند ستاره سپانی، روند ورود به سینما به کندی صورت می‌گیرد در حالی که او در تئاتر، بازیگری درخشان با انبوهی نقش خاص است.

■ ستاره فیلم‌های پر فروش

در میان ورزشکارانی که به سینما آمدند با نقش آفرینی‌های ضعیفشان، دوستدارانشان را ناامید کردند و به دنیای ورزش پناه بردند، یک نام استانتاس؛ پژمان جمشیدی اوایل دهه نود، به بازیگری روی آورد و با وجود آن‌ه

که جمشیدی در نقش‌های کمدی دارد و برای تماشاگر جذاب است، در همان نقش‌های به ظاهر مشابه، تنوع و اجراهایی متفاوت دیده می‌شود. جمشیدی در این‌سال‌ها به تبدیل به ستاره سینمای تجاری شده و اغلب کمدی‌هایش فروش داشته، نقش‌های جدی هم بازی کرده و روی صحنه تئاتر رفته است. او در «فرانکشتاین» (ایمان افشاریان) نقشی دشوار و خاص را تجربه کرد؛ به نظر می‌رسد جمشیدی، طسّم شکست ستاره‌های ورزشی در سینما را شکسته یا این فرصت را به دست آورده تا تصویری دیگر از این حضور انعکاس بدهد. او بازیگری باهوش است و می‌داند چگونه از دل دشواری‌ها به سلامت عبور کند. پژمان جمشیدی برای ماندن، آمده است.